

## بوالعجب واقعه‌ای باشد و مشکل دردی

# امیرکبیر و بیماری‌های فراگیر

● دکتر فرهاد دشتکی‌نیا\*

### اشاره

هدف امیرکبیر توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور بود و آموزش، به‌ویژه آموزش پزشکی به‌صورت علمی، یکی از راهکارهای مدنظر او بود. امیرکبیر با توسعه رشته طب و پزشکی و در ادامه، با تأسیس مدرسه طب برای توسعه بهداشت عمومی در سطح جامعه، گام‌هایی در رسیدن به این هدف برداشت. اجرای طرح واکسن آبله در سراسر کشور، مقابله با بیماری‌های واگیردار و پیشگیری از آن‌ها از اهداف عالی‌ه امیرکبیر بود. در ذیل یادداشتی در این زمینه ارائه می‌شود.

شیوع بیماری‌های همه‌گیر در عصر قاجار امری عادی بود. بیماری‌های مالاریا، وبا، طاعون و آبله متناوباً شیوع می‌یافت و هر همه‌گیری‌ای دست‌کم ده درصد از جمعیت هر منطقه را به کام مرگ فرو می‌برد. پیش از ورود پزشکی نوین به ایران، درمان آن بیماری‌ها متکی بر معارف طب سنتی و خصوصاً در چارچوب تقسیم‌بندی مزاج‌های سرد و گرم بود و غالباً نتیجه مطلوبی در پی نداشت. بر اساس نگرش غالب در هیئت حاکمه ایران، درمان بیماری‌های همه‌گیر از مسئولیت‌های دولت شمرده نمی‌شد. از این‌رو، مقابله با آن بیماری‌ها امری فردی و بیشتر متکی به جایگاه طبقاتی بیمار بود.

ورود اندیشه‌ها و مظاهر تمدن جدید به ایران موجب تغییر نگرش برخی از دیوانسالاران دولت قاجار درباره ارتباط میان دولت و مردم شد؛ چنان‌که در دوره ولیعهدی عباسمیرزا (۱۲۱۲-۱۲۴۹ق) برای نخستین‌بار دولت در زمینه مقابله با بیماری‌های همه‌گیر گام‌هایی برداشت و با آبله‌کوبی در آذربایجان پایه مسئولیت‌پذیری دولت در مقابله با بیماری‌های همه‌گیر بنیان گذاشته شد. اقدامات عباس‌میرزا به او فضل تقدم می‌بخشید و در دوره

\* دکتری تاریخ، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان. fdashtakinia@uk.ac.ir

خود استثنا بود؛ ولی با مرگ او متوقف ماند تا آنکه با صدارت امیرکبیر این امر ادامه یافت و نتایج خوبی نیز حاصل شد.

با آغاز عصر ناصری و صدارت امیرکبیر (۱۲۶۴-۱۲۶۸ق) روند مسئولیت‌پذیری دولت در مقابله با بیماری‌های همه‌گیر تدوام یافت و امیر گام‌هایی برای مرهم‌نهادن بر زخم‌های بیماری‌های همه‌گیر برداشت. بهره‌گیری از پزشکی نوین برای درمان و مقابله با امراض مسری ابتکار امیرکبیر نبود، اما او از معدود رجال عصر قاجار بود که از وجوه گوناگون و در مقیاس وسیع به مبارزه با بیماری‌های فراگیر پرداخت.



راهبرد امیرکبیر در مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر سه وجه بنیادین داشت:

**الف)** مقابله با بیماری با مشارکت مردم که از طریق آگاه‌سازی مردم انجام می‌شد. او برای مقابله با بیماری وبا دستور داد در روزنامه وقایع اتفاقیه (برای نمونه نک: شماره‌های ۳، ۱۷، ۴۵) علل بروز وبا و نحوه پیشگیری از آن را درج کنند تا مردم مطلع شوند. بنابراین، رساله‌ای به نام «قواعد معالجه وبا»، درباره علل بروز وبا و آموزش نحوه پیشگیری و رعایت اصول بهداشتی، تدوین شد. رساله را به ایالات و ولایات فرستاد و از بزرگان آنجا خواست آن را در منابع قرائت کنند تا با آگاه‌ساختن مردم مشارکتشان را به پیشگیری و درمان آن بیماری جلب کنند. امیرکبیر در این بخش، از میراث عباس‌میرزا نیز بهره برد و دستور داد رساله مستر کورمیک، پزشک انگلیسی عباس‌میرزا، درباره وبا تجدید چاپ شود. رساله کورمیک با عنوان رساله در تعلیم آبله زدن نخستین رساله آموزش عمومی برای مقابله با وبا بود که میرزا عبدالصبور خویی، پزشک دستگاه عباس‌میرزا، آن را به فارسی ترجمه کرد و در سال ۱۲۴۵ق به چاپ رسید. این رساله در تبریز نیز منتشر شد و راهکارهای آن نیز در عهد عباس‌میرزا در شمال‌غرب و غرب ایران به کار گرفته شد.

**ب)** سختگیری‌های بهداشتی در قالب قرنطینه و مجازات خاطیان که در راهبرد امیرکبیر اعمال می‌شد. برخی بیماری‌های مسری مانند وبا از کشورهای همسایه مانند هند و عربستان و روسیه وارد ایران می‌شد. اجرایی کردن قرنطینه در ورودی مرزها از اقدامات امیرکبیر بود تا از این طریق مانع ورود ناقلان بیماری به کشور شود. در برخورد با خاطیان نیز روایت جریمه پدر اصفهانی متواتر است که در آبله‌کوبی کودکانش اهمال نموده و سبب مرگشان شده بود و باید به علت تخطی از آبله‌کوبی اجباری جریمه پنج تومانی پرداخت می‌کرد و توانایی پرداخت جریمه را نداشت. امیر از کیسه خود جریمه او را پرداخت کرد تا از این طریق هم قاعده آبله‌کوبی اجباری را، که خود بنا گذاشته بود، زیر پا نگذاشته باشد و هم از مرد ناتوان اصفهانی حمایت کرده باشد (سیاح، ۱۳۴۶: ۴۷۰).

**ج)** واکسیناسیون عمومی از دیگر اقدامات امیرکبیر بود که درباره آبله انجام شد. نخستین بار به دستور عباس‌میرزا و در سال ۱۲۲۸ق آبله‌کوبی در آذربایجان و پس از آن، در کرمانشاه انجام شد. اما در عهد عباس‌میرزا آبله‌کوبی در همین مناطق ایران محدود ماند. امیرکبیر قانون مایه‌کوبی آبله را در سال ۱۲۶۷ق ابلاغ کرد و آبله‌کوبی عمومی اجباری شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۲۱۴). سپس آبله‌کوب تربیت کرد و به سایر ایالات فرستاد و آبله‌کوبی عمومی تثبیت شد.

بدین ترتیب، الگوی امیرکبیر در مواجهه و مقابله با بیماری‌های همه‌گیر را می‌توان به شکل زیر صورت‌بندی کرد:

مسئولیت‌پذیری دولت؛ فراهم ساختن امکانات اقدام‌های عملی برای مقابله با بیماری‌ها؛ جلب مشارکت مردم برای مقابله با بیماری‌ها از طریق آموزش و آگاه‌سازی؛ تنبیه و مجازات خاطیانی که در روند کار اختلال ایجاد می‌کردند.

در این روند، افزون بر مقابله با بیماری‌ها، شیوه جدیدی از کیفیت ارتباط بین دولت و مردم نیز شکل می‌گرفت و بر این مبنا مرهم امیرکبیر برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها، مرهمی بر کیفیت رابطه دولت و رعیت نیز شمرده می‌شد.

روندی که امیرکبیر برای مقابله با بیماری‌ها آغاز کرده بود با موانعی هم روبه‌رو بود. نخستین مانع، نبود لوازم کافی در مبارزه با بیماری‌ها بود. در مقابله با آبله اغلب کمبود واکسن وجود داشت، از این‌رو ناگزیر بودند به‌جای مایع آبله از چرک آبله استفاده کنند (فلور، ۱۳۸۷: ۴۹) تا از این طریق مانع از توقف واکسیناسیون شوند و با همان امکانات موجود واکسیناسیون را استمرار بخشند. مانع دوم، مقاومت‌بخشی از جامعه در برابر واکسیناسیون بود. قشرهایی از جامعه فرمان واکسیناسیون اجباری را نادیده می‌گرفتند و به‌همین دلیل با جریمه و تنبیه مواجه می‌شدند (وقایع اتفاقیه، ۱۷ صفر ۱۲۶۸، ۴۵: ۳). به‌رغم مخالفت‌های پراکنده با واکسیناسیون، امیرکبیر با نظارت مستمر توانست روند واکسیناسیون را استمرار بخشد.

برمبنای آنچه گفته شد عملکرد امیرکبیر در مقابله با بیماری‌های همه‌گیر در تداوم مسیری بود که عباس‌میرزا آغاز کرده بود. امیر آن راه را ادامه داد، دامنه مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر را به سراسر کشور گسترش داد، واکسیناسیون عمومی را اجباری کرد و این اقدامات در سایه نظارت مستمر او انجام شد.

## منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۹). صدرالتواریخ. به اهتمام محمد مشیری. تهران: انتشارات وحید.
۲. سیاح، محمدعلی بن محمدرضا (۱۳۴۶). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف‌الله گلکار. تهران: امیرکبیر.
۳. فلور، ویلمام. (۱۳۸۷). سلامت مردم در ایران قاجار. ترجمه ایرج نبی‌پور. بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
۴. کورمیک، ویلیام (۱۲۴۵ق). رساله در تعلیم آبله‌زدن. ترجمه عبدالصبور خوبی. تبریز: باسمه‌خانه.
۵. وقایع اتفاقیه، روزنامه، ش ۴۵: ۱۷ صفر ۱۲۶۸؛ ش ۳: ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷؛ ۱۷: ۲۷ رجب ۱۲۶۷.